





# بخشش و عفو محکومان کیفری و جزایی

تالیف

سعید شاه پور جانی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۶

سرشناسه	: شاهپورجانی، سعید، ۱۳۷۰ -
عنوان و نام پدیدآور	: بخشش و عفو محکومان کیفری و جزایی/تالیف سعید شاهپورجانی.
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات قانون یار، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۰۷۷-۸۹-۳
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: عفو بزهکاران و مجرمین (فقه)
موضوع	: (Pardon Islamic Law)
موضوع	: عفو بزهکاران و مجرمین
موضوع	: Pardon
موضوع	: مجازات (فقه)
موضوع	: (Punishment Islamic Law)
موضوع	: مجازات -- ایران
موضوع	: Punishment -- Iran
موضوع	: حقوق جزا (فقه)
موضوع	: (Criminal Law Islamic Law)
موضوع	: حقوق جزا -- ایران
موضوع	: Criminal Law -- Iran
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ش ۳ ب ۲ / ۱۹۵ / BP۶
رده بندی دیویی	: ۳۷۵ / ۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۷۳۰۷۸

## انتشارات قانون یار

### بخشش و عفو محکومان کیفری و جزایی

تألیف: سعید شاه پور جانی

ناشر: قانون یار

ناظر فنی: محسن فاضلی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۱۰۰ جلد

قیمت: ۱۸۰۰۰ تومان

شابک: 978-600-8077-89-3

مرکز بخش: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید، پلاک ۹۲

تلفن: ۶۶۹۷۳۹۶۰ کتابفروشی رسولی (چراغ دانش سابق)

## فهرست مطالب

۷	مقدمه
۹	<b>بخش اوّل</b>
۹	کلیّات
۱۱	فصل اوّل: بررسی و موشکافی بحث
۴۰	فصل دوّم: عفو عمومی
۶۱	فصل سوّم: عفو خصوصی
۸۱	<b>بخش دوّم</b>
۸۱	بررسی و شناخت قوه مقننه در راستای عفو عمومی در قانون مجازات اسلامی
۸۳	فصل اوّل: شناخت و بررسی عفو عمومی در قوانین شکلی و ماهوی
۱۲۲	فصل دوّم: حدود اختیارات رهبری و قوه مقننه در عفو محکومین
۱۵۵	<b>منابع و مآخذ</b>
۱۵۷	الف-کتب



## مقدمه

عفو یکی از عوامل سقوط و یا تخفیف مجازات و نیز ابراز رأفت و محبت نسبت به محکومان است که از طرف عالیت‌ترین مقام کشور و یا مرجع قانونگذاری اعطا می‌گردد. عفو که از طریق عالی‌ترین مقام کشور اعطا می‌گردد، عفو خصوصی و عفو دیگر عمومی نامیده می‌شود. عفو عمومی، بیشتر پس از انقلاب‌ها، تشنجات سیاسی یا در نتیجه پیش آمدهای ناگوار اجتماعی یا در اثر حوادث اتفاقی یا جنگ و خون ریزی اعمال می‌شود. بزه‌های ارتكابی، بیشتر معمول آن اغتشاشات بوده‌اند و آن محیط خاص، موجبات و علل جرایم را به وجود آورده است. وضعیت استثنایی و بحرانی، افکار و روحیات مردم را متشنج می‌کند و مردم آرزوی صلح و آرامش دارند. تعقیب و گریزها باعث تداوم وضعیت بحرانی می‌شود، ولی نادیده گرفتن بسیاری از جرایم ارتكاب یافته در آن شرایط و به فراموشی سپردن آنها، که همان عفو عمومی است، می‌تواند بهتر و سریع‌تر جامعه را به وضعیت عادی برگرداند. بنابراین، گاه عفو بهتر از مجازات، مصلحت جامعه را تأمین می‌کند و از ناآرامی‌ها که منشأ جرایم بسیار است، جلوگیری می‌کند. به نظر می‌رسد در این گونه موارد، عفو عمومی می‌تواند یک اقدام تأمینی و پیشگیری از جرم تلقی شود. کیفیت اعطای عفو در قوانین قبل از انقلاب پیش‌بینی شده بود. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در قوانین جزایی مورد غفلت قرار گرفته است و فقط با تفسیر موسّع از اصل ۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران<sup>۱</sup> می‌توان به ظاهر اعطای عفو عمومی را در صلاحیت مجلس شورای اسلامی دانست.

---

<sup>۱</sup> - اصل مذکور مقرر می‌دارد: «مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند».





# بخش اوّل

## کلیّات



## فصل اول: بررسی و موشکافی بحث

### مبحث اول: ماهیت عفو

دانشمندان علم لغت در کتب خود معانی مختلف و متنوعی را برای عفو ذکر کرده‌اند. علاوه بر این، نویسندگان علم حقوق و مفسران و مترجمان قرآن نیز هر کدام، معنای خاصی از عفو را مورد توجه قرار داده‌اند. بنابراین، به تفکیک، عفو را در کتب لغت عربی، کتب لغت فارسی، قرآن، سخن فقها و سخن حقوقدانان مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### گفتار اول: عفو در کتب لغت عربی

در کتابهای لغت معناهایی از این دست برای عفو آورده‌اند:

۱- الصَّفْحُ: (صَفَحَ عَنهُ وَ تَرَكَ عَقُوبَتَهُ) که به معنای گذشتن از مجازات جانی است.<sup>۲</sup>

۲- دَفْعُ سُوءٍ أَوْ بَلَاءٍ: (عَافَى اللَّهُ فُلَانًا) یعنی خداوند بدی را از فلانی دفع کند.<sup>۳</sup>

۳- السَّهْوَةُ أَوْ الْيُسْرُ: (يُقَالُ: دَرَكَ الْأَمْرَ عَفْوًا صَفْوًا) که مفهوم سهولت و آسانی را می‌رساند.<sup>۴</sup>

از دیگر معانی ذکر شده در این کتب می‌توان به العطاء، الكثرة، الطلب، الفضل و ... اشاره کرد. همچنین در کتب لغت عرب به معنای آنچه بر نفقه (حق عیال و فرزندان) زیاد بیاید را نیز گویند. در قرآن کریم آمده است: ای پیامبر از تو می‌پرسند که چه چیزی را انفاق کنند، به آنان بگو آنچه بر نفقه زیاد می‌آید را انفاق کنند. و نیز به آنچه از آب بر آشامیدن زیاد بیاید و بدون زحمت و تکلف به دست آید و همچنین به بهترین و نیکوترین نوع یک جنس نیز اطلاق

<sup>۲</sup>- ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، جلد ۴، بیروت، دارصادر، الطبعة الاولى، ۱۹۹۷ میلادی، ص ۳۷۸.

<sup>۳</sup>- معلوف، لوئیس، المنجد فی اللغة و الاعلام، بیروت، دارالمشرق، الطبعة الحادی و العشرون، بی تا، ص ۵۱۷.

<sup>۴</sup>- الزبیدی، مرتضی، تاج العروس، بیروت، دار صادر، بی تا، ص ۳۲۹ و حموی، یاقوت، معجم البلدان، جلد چهارم، بیروت، دار صادر، ۱۳۷۶ هـ.ق، ص ۱۳۲.



می‌شود و به معنای شناخته شده هم آمده است.<sup>۵</sup> عالی و زمین بایر که در آن آثاری از حیات دیده نشود از دیگر معانی آن است.<sup>۶</sup>

### گفتار دوم: عفو در لغت فارسی

در کتاب لغت فارسی، به طور عموم، عفو به معنای، از گناه کسی درگذشتن، بخشایش، گذشت<sup>۷</sup> و در مواردی به معنای مغفرت، ساقط کردن عذاب، احسان خواستن، آمده است.<sup>۸</sup>

عفو در لغت به معنای زیاد شدن، پوسیده شدن، نخواستن چیزی، اسقاط حق، تجاوز از گناه، و درگذشتن است.<sup>۹</sup> همچنین به معنای بخشیدن و گذشت کردن از گناه کسی معنی شده است.<sup>۱۰</sup>

### گفتار سوم: عفو در قرآن کریم

در قرآن کریم در آیات متعددی از ماده عفو استفاده شده است که با توجه به کاربرد، معنی آن نیز متفاوت است. به عنوان مثال، گاهی در معنی از بین بردن اثر به کار برده شده است<sup>۱۱</sup> «وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ»<sup>۱۲</sup>، در برخی آیات به معنی سقوط حق، استفاده شده است<sup>۱۳</sup> «وَأَعْفُ عَنَّا»<sup>۱۴</sup>،

۵- انیس، ابراهیم، المعجم الوسیط، الجزء الاول، قاهره، بی نا، ۱۳۹۲ م.ق، ص ۶۱۲.

۶- افرام البستانی، فواد، منجد الطلاب، بیروت، دارالمشرق، ۱۹۵۶ میلادی، ص ۴۸۷.

۷- معین، محمد، فرهنگ معین، جلد ۲، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۵۳، ص ۲۲۱۹.

۸- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، جلد ۱۰، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷، ص ۱۵۹۷۲.

۹- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۸، ص ۲۵۵۳.

۱۰- معین، محمد، پیشین، ص ۲۳۱۹.

۱۱- راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن فضل، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق محمد سید گیلانی، بیروت، دارالمعرفه، ص ۱۶۸.

۱۲- سوره آل عمران، آیه ۱۵۲.



گاهی با استعمال واژه «عَفُوٌّ» «إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ»<sup>۱۵</sup>، به معنای گذشت از گناه و ترک مجازات آن<sup>۱۶</sup>، به کار رفته، و بالاخره گاهی به معنای گذشتن از طلب، اراده شده است<sup>۱۷</sup>: «وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ»<sup>۱۸</sup>.

آنچه مسلم است، این است که بیشترین استفاده از این صیغه در قرآن کریم، همان مفهوم رایج و شایع آن، یعنی از گناه کسی گذشتن و بخشودن یا بخشایش است.

### گفتار چهارم: جایگاه اخلاقی و دینی عفو

اینکه عفو از جهت اخلاقی یعنی چه و چه جایگاه و ارزشی دارد یکی از مباحثی می‌باشد که در این قسمت مورد بحث قرار می‌گیرد. اصولاً عفو در اخلاق اسلامی دارای ارزش بسیاری می‌باشد. در این قسمت تعدادی از آیات الهی و روایات ائمه معصومین که در این خصوص وارد شده است ذکر می‌شود تا معلوم گردد که در اخلاق اسلامی چقدر عفو و بخشش ارزش داشته و مورد توصیه قرار گرفته است:

«وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»<sup>۱۹</sup> و انتقام بدی مردم همانند آن بدی است (نه زیادت) و باز اگر کسی عفو کرده و بین خود و خصم اصلاح نمود پاداش او بر خداست و خدا ستمکاران را دوست نمی‌دارد.

۱۳- راغب اصفهانی، همان، ص ۱۶۹.

۱۴- سوره بقره، آیه ۲۸۶.

۱۵- سوره حج، آیه ۶۰.

۱۶- راغب اصفهانی، همان.

۱۷- راغب اصفهانی، همان.

۱۸- سوره آل عمران، آیه ۱۳۴.

۱۹- سوره شوری، آیه ۴۰.



- «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ».<sup>۲۰</sup> باید مومنان همیشه بلند همت بوده و از بدی‌ها درگذرند. آیا دوست نمی‌دارید که خداوند هم در حق شما مغفرت و احسان فرماید و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

- رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: «در روز قیامت از عرش پروردگار ندا می‌شود که هر کس پاداشی از من طلبکار است برخیزد و مزد خویش را دریافت نماید. تنها کسانی به پا می‌خیزند که از برادر دینی خود گذشت کرده‌اند».<sup>۲۱</sup>

- از امام صادق (ع) روایت است که پیامبر (ص) در یکی از خطبه‌های خود فرمودند: می‌خواهید شما را از بهترین اخلاق در دنیا و آخرت خبر دهم. مردم گفتند بلی. فرمود: گذشت نمودن از کسی که به تو ستم کرده است و پیوند نمودن از کسی که از تو گسیخته باشد.<sup>۲۲</sup>

- در حدیث دیگری پیامبر (ص) فرمودند: «بر شما باد به گذشت و عفو که بنده را جز عزت نبخشد. پس از یکدیگر گذشت نمایید تا خداوند شما را عزت بخشد».<sup>۲۳</sup>

- امام باقر (ع) فرمودند: «آن پشیمانی که بر اثر عفو بر آدمی دست دهد بهتر و آسانتر است از پشیمانی که بر اثر انتقام پیش آید».<sup>۲۴</sup>

- امام صادق (ع) فرمودند: «هرگز دو گروه رو در رو نشوند جز اینکه گروه صاحب گذشت پیروز شود».<sup>۲۵</sup>

<sup>۲۰</sup> - سوره نور، آیه ۲۲.

<sup>۲۱</sup> - حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه الی التحصیل المسائل الشرعیه، جلد ۱۸، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، بی تا، ص ۳۰۱.

<sup>۲۲</sup> - همان.

<sup>۲۳</sup> - همان.

<sup>۲۴</sup> - همان، ص ۳۱۲.

<sup>۲۵</sup> - همان.



- پیامبر (ص) می‌فرمایند: «شایسته‌ترین کس به گذشت نمودن آن کسی است که از همه به کیفر و عقوبت تواناتر باشد. و هوشیارترین مردم کسی است که خشم خود را بیشتر فرو خورد».<sup>۲۶</sup>

- امام موسی بن جعفر (ع) به فرزندان خویش فرموده‌اند: «ای فرزندانم شما را وصیت می‌کنم که هر یک از شما بدان مواظبت نمایید و آن وصیت این است: اگر کسی در گوش راستان به شما ناسزایی گفت و سپس در گوش چپان از گفته خویش پوزش خواست، عذرش را بپذیرید».<sup>۲۷</sup>

- امیر المومنین (ع) فرموده‌اند: «عفو و گذشت بهترین خوی است و چشم پوشی از آن کسی سزاوار است که به جرم خویش معترف باشد نه آنکه گناه خود را ادامه دهد».<sup>۲۸</sup> عفو انگیزه‌ای است پنهانی که عقل و دل، در جهت برقراری آرامش روانی و جایگزین نمودن آن به جای ادامه حالت اضطراب و دلهره ناشی از انتقام‌گیری، ایجاد می‌نماید. دکتترین حقوقی نسبت به عفو محکومین در طول تاریخ با توجه به فراز و نشیب‌های زیاد دچار تحول شده است؛ ولی آنچه همواره ثابت بوده است این است که وقتی انسان با داشتن تمکّن از قصاص و توانایی بر انتقام، فردی را عفو نماید، این عمل وی از باب رحم و عزت و بزرگواری خواهد بود.

### گفتار پنجم: عفو در سخن فقهاء

برخی از فقهای امامیه در کتب فقهی در بحث حدود، موضوع عفو را مورد عنایت قرار داده و معتقدند چنانچه مرتکب به حدی از حدود الهی اقرار و پس از اقرار توبه کند، امام و یا حاکم شرع بین اجرای حد و یا عفو مقرر، مخیر و مختار است.<sup>۲۹</sup>

<sup>۲۶</sup> - همان، ص ۳۸۵.

<sup>۲۷</sup> - همان.

<sup>۲۸</sup> - همان.

<sup>۲۹</sup> - شهید اول، محمد بن جمال الدین مکی العاملی، *اللمعه دمشقیه*، تهران، انتشارات یلدا، ۱۴۱۱ ه.ق، ص ۲۴۵ و شهید ثانی، زین الدین الجبلی العاملی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه*، جلد ۹، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۲، ص ۵۷ و



فردی مستحق حقی است سپس آن را ساقط می‌کند، مانند قصاص و یا جبران خسارت.<sup>۳۰</sup> عفو، ترک مجازات، به سبب انجام گناه است.<sup>۳۱</sup> عفو، اسقاط حق از روی احسان و جود است، در حالی که قدرت بر انتقام نیز دارد.<sup>۳۲</sup>

با توجه به مراتب فوق‌الذکر ملاحظه می‌شود فقهای عظام در تعریف عفو چندان اختلافی ندارند و آنها عفو را به طور اجمال نوعی اسقاط حق دانسته‌اند.

به طور کلی معنای اختصاصی و اصطلاحی عفو در علم فقه، چندان از معنای لغوی آن که بخشش و درگذشتن از مجازات و کیفر است، دور نمی‌باشد. کلمه عفو و یا مشتقات آن در قرآن مجید به کرات به کار برده شده است. آنجا که می‌فرماید: «... از بدی در گذرید، پس به درستی که خداوند درگذرنده تواناست».<sup>۳۳</sup> و یا اینکه: «... و عفو کنندگان از مردمان نیکوکارند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد».<sup>۳۴</sup>

بنابراین با دقت نظر در آیات مختلف قرآن کریم و منابع فقهی اسلامی ملاحظه می‌کنیم که نهاد عفو از آن حیث اهمیت دارد و مورد تأکید قرار گرفته است که نشان دهنده اوج صفات متعالی انسانی است. آنجایی که خداوند متعال می‌فرماید: «اگر از عقاب زنان و فرزندان، که

نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام*، جلد ۴۱، بیروت، انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، بی تا، ص ۲۹۳ و شیخ طوسی، محمد بن حسن، *النهایه فی المجرّد الفقه و الفتاوی*، ترجمه محمد تقی دانش، تهران، ۱۳۴۳، ص ۲۹۱ و موسوی خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا، ص ۱۸۵.

<sup>۳۰</sup>- ابن عبدالکریم، زید، *العفو عن العقوبه فی الفقه الاسلامی*، جلد ۳، الرياض، دارالعاصمه، النشر الاولى، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۱۸۲.

<sup>۳۱</sup>- قوچی، علی عبدالقادر، *شرح قانون اصول المحاکمات الجزائیة*، بیروت، منشورات الحلبي الحقوقیه، ۲۰۰۲ میلادی، صص ۲۷۱-۲۷۲.

<sup>۳۲</sup>- حموی، یاقوت، *معجم البلدان*، جلد چهارم، بیروت، دار صادر، ۱۳۷۶ ه.ق، ص ۲۲۵.

<sup>۳۳</sup>- سوره نساء، آیه ۱۴۸.

<sup>۳۴</sup>- سوره آل عمران، آیه ۱۳۵.





شما را از طاعت و جهاد در دین باز دارند، پس از توبه ایشان، عفو و آمرزش و چشم‌پوشی کنید، خدا هم در حق شما بسیار آمرزنده و مهربان است».<sup>۳۵</sup> لذا انسانی که فرد بزهکاری را در اثر عظمت روح خویش مورد عفو قرار می‌دهد، علاوه بر اصلاح خود و دیگران، در عمق جان بزهکار نیز تأثیر گذاشته و وی را در جهت سیر معرفت الهی و انسانی آماده می‌کند.

### گفتار ششم: مفهوم و جایگاه حقوقی عفو (عفو در سخن حقوقدانان)

عفو یکی از موارد سقوط مجازات در حقوق کیفری محسوب می‌شود. عفو بیانگر اندیشه انسانی است که خود را ملزم به نادیده گرفتن گناه و خطای دیگران می‌نماید.

عفو به عنوان یکی از تأسیسات حقوقی از ابتدای تدوین قوانین موضوعه با اقتباس از قوانین کشور فرانسه وارد قوانین کیفری کشور ما گردید و نتیجتاً آرای صادره از محاکم و نیز آراء وحدت رویه و نظریات علمای حقوق بی‌تأثیر از این قوانین نیست. پس از استقرار حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، قانونگذار با عنایت به روح الهی و شرعی حاکم بر قوانین، نهاد عفو را با این مقررات منطبق نموده است.

اصولاً نهاد عفو از دیدگاه حقوقی آن در خصوص مجازات و پس از اثبات مجرمیت شخص موضوعیت پیدا می‌کند. البته در بعضی موارد متهمان به ارتکاب جرایم خاص ممکن است مشمول عفو قرار گیرند و تعقیب آنها منتفی شود

اعطای عفو بر حسب مرجع اعطا کننده به عفو عمومی یا عام و عفو خصوصی یا خاص قابل تقسیم است.

حقوقدانان در این خصوص به دو دسته تقسیم شده‌اند: عده‌ای از آنان با تأسی به فقه اسلامی و برخی نیز متأثر از حقوق عرفی به این مقوله پرداخته‌اند که به مهمترین آنها اشاره می‌شود:



۱- در عفو، صاحب حق، حق خود را ساقط کرده و مطالبه نمی کند مانند عفو اولیای دم از قاتل، عفو مجروح از جراح و عفو مظلوم از ظالم.

۲- عفو عبارتست از: اسقاط بعض یا تمام مجازات مترتب بر جرم. این تعریف هم شامل عفو صادر شده از افراد و هم عفو صادر شده از جامعه است.<sup>۳۶</sup>

۳- عفو، سببی خاص از اسباب سقوط برخی از مجازاتهاست، مثل عفو مجنی علیه یا ولی وی نسبت به جانی و یا عفوی که ولی امر اعمال می دارد.<sup>۳۷</sup>

۴- عفو، اسقاط حق مجنی علیه است به اینکه از تمام حقش به طور مطلق بگذرد و یا در مقابل عوضی.<sup>۳۸</sup>

بعضی دیگر از حقوقدانان با توجه به قوانین موضوعه و مفاهیم حقوقی، عفو را به گونه دیگری تعریف کرده اند: عفو وسیله ای است برای اسقاط دعوای عمومی و یا متوقف نمودن اجرای حکم.<sup>۳۹</sup> یا گفته اند: عفو عبارتست از عدم اجرای مجازات یا قسمتی از آن درباره محکومی که حسب قاعده، می بایست مجازات شود.<sup>۴۰</sup> عفو عبارت از بخشایشی است که دارنده قدرت اجتماعی نسبت به مقصری که به حکم قطعی لازم الاجرا محکوم شده، ابراز

۳۶- ابن عبدالکریم، زید، العفو عن العقوبه فی الفقه الاسلامی، جلد ۳، الرياض، دارالعاصمه، النشر الاولی، ۱۴۱۰ ه.ق، ص ۳۱.

۳۷- عوده، عبدالقادر، حقوق جزای اسلامی (التشريع الجنایی الاسلامی)، جلد اول، تهران، معاونت فرهنگی جهاد دانشگاهی دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۲، ص ۷۷۱.

۳۸- فضیلات، جبر محمود، سقوط العقوبات فی الفقه الاسلامی، بیروت، دار عمار، الطبعة الاولی، ۱۴۰۸ ه.ق، ص ۷۹.

۳۹- باهری، محمد، نگرشی بر حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول ۱۳۸۰، ص ۴۷۸ و گلدوزیان، ایرج، بایسته های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳)، تهران، چاپ دهم، نشر میزان، ۱۳۸۴، ص ۴۱.

۴۰- بلوری، اکبر، «عفو و بخشودگی»، مجله علمی - حقوقی - انتقادی کانون وکلا، شماره ۲، سال دهم، خرداد و تیر ۱۳۳۷، ص ۷۲.



می‌دارد.<sup>۴۱</sup> عفو یکی از موارد سقوط مجازات و یک وسیله اعلام گذشت و ابراز رأفت و محبت است که توسط قانونگذار یا رئیس حکومت و دولت به منظور تعدیل شدید احکام کیفری نسبت به مقصری که به حکم قطعی لازم الاجرا محکوم شده است، ابراز می‌گردد و مجازات وی را ساقط می‌نماید.<sup>۴۲</sup> عفو از نظر حقوقی، بخششی است که نماینده جامعه یا رئیس دولت در جهت اهداف سیاسی و به منظور برگرداندن متهمین و مجرمین به راه صلح، اعطا می‌کند و چه بسا در آزاد کردن این افراد فرصتی تازه برای تغییر دادن کامل راه زندگی نهفته باشد.<sup>۴۳</sup> عفو در اصطلاح حقوقدانان، در معانی زیر نیز آمده است: اسقاط مجازات به وسیله رئیس یک کشور و یا امام، قدر مشترک ابراء و هبه و نیز در علم اصول به معنای اباحه و برائت است.<sup>۴۴</sup>

عفو، اقدامی مبتنی بر اغماض و مصالح جامعه و فرد است، که با تصویب نهادهای حکومتی اعم از نهاد رهبری یا مجلس قانونگذاری، به منظور متوقف ماندن تعقیب متهمان و یا بخشودن تمام یا قسمتی از مجازات محکومان، صورت می‌گیرد.<sup>۴۵</sup> به نظر می‌رسد این تعریف جامع‌تر و کاملتر از سایر تعاریف باشد.

## مبحث دوم: سابقه تاریخی عفو در حقوق ایران

با اینکه از چگونگی تحولات حقوق کیفری در دوران ایران باستان اسناد و مدارک کافی در دست نیست اما شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در ایران، پدر یا رئیس خانواده با اقتدار مطلق،

۴۱- علی آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، جلد ۲، چاپخانه بانک ملی، ۱۳۵۲، ص ۳۸۴ و ملک اسماعیلی، عزیز الله، حقوق جزای عمومی، تهران، چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵، ص ۲۴۴.

۴۲- شیری، عباس، سقوط مجازات در حقوق کیفری اسلام و ایران، تهران، مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۷۲، ص ۱۴۳.

۴۳- غسان، رباح، نظریه العفو فی التشریعات العربیه، بروت، چاپ عویدات، ۱۹۸۴ میلادی، ص ۷.

۴۴- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، پیشین، ص ۲۵۵۳.

۴۵- اردبیلی، محمد علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، تهران، چاپ بیستم، نشر میزان، ۱۳۸۸، ص ۲۶۱.